

اِسْلام

اِسْلام، رسالت خداوند است، خطاب به تمام مردم و پیام جاویدان خداوند است.

دین اسلام مخصوص یک نژاد یا قوم نیست، بلکه دین الله برای همهٔ مردم است.

اسلام پیام الهی است که برای کامل ساختن رسالت پیامبران و رسولان پیشین- درود و سلام الله بر آنان باد- آمده است؛ پیامبرانی که به سوی امت‌هایشان فرستاده شده بودند.

پیامبران- علیهم السلام- دینشان یکی است اما شریعت‌هایشان متفاوت است.

اسلام- چنانکه همهٔ پیامبران: نوح و ابراهیم و موسی و سلیمان و داوود و عیسی علیهم السلام دعوت داده اند- به سوی ایمان به این‌که پروردگار همان الله است که آفریدگار و روزی دهنده و زنده کننده و میراننده و مالک و فرمانروا است، فرا می‌خواند. و این‌که تدبیر کارها به دست اوست و او همان رثوف مهربان است.

الله سبحانه و تعالی آفریدگار است و تنها اوست که شایستهٔ عبادت است و هیچکس نباید همراه با او پرستیده شود و در عبادتش شریک گردد.

آفریدگار تمام موجودات هستی، چه آنهایی که می‌بینیم و چه نمی‌بینیم، الله متعال است. همه چیز و همه کس جز الله، مخلوق می‌باشند. و او تعالی آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید.

لله سبحانه و تعالی در ملک یا آفرینش یا تدبیر یا عبادتش شریکی ندارد.

لله سبحانه و تعالی نه [فرزندی] زاده و نه زاده شده است و همانند و مانند ندارد.

الله سبحانه و تعالی در هیچ یک از مخلوقاتش خلُول نمی‌کند و در هیچ یک از آفریدگانش تجسّد نمی‌یابد.

الله سبحانه و تعالی نسبت به بندگانش مهربان است، از همین رو برای ایشان پیامبرانی فرستاده و کتابهایی نازل کرده است.

الله همان پروردگار یگانه و مهربان است. او ذاتی است که در روز قیامت بندگانش را مورد محاسبه قرار می‌دهد و آن هنگامی است که همهٔ آنان را از قبرهایشان برانگیخته سازد و هر کس را برای کارهایش- چه خیر و چه شر- جزا می‌دهد، پس آن‌که مؤمن بوده و کارهای نیک انجام داده باشد، در خوشی همیشگی است و آن‌که کفر ورزیده و مرتکب کارهای بد شده در آخرت گرفتار عذاب بزرگ خواهد بود.

الله سبحانه و تعالی آدم را از خاک آفرید و نسل او را چنین قرار داد که پس از او فرزند بیاورند و افزون شوند، بنابراین همهٔ مردم در اصل برابرند و هیچ نژادی بر دیگری برتری ندارد و هیچ ملتی بر دیگری فضیلتی ندارد مگر با تقوا.

و هر نوزادی بر فطرت [اسلام] به دنیا می‌آید.

و هیچ انسانی گناهکار یا در حالی‌که وارث گناه دیگری است، متولد نمی‌شود.

و هدف از آفرینش مردم، عبادت الله یگانه است.

اسلام، انسان را- چه مرد و چه زن- گرامی داشته و همهٔ حقوقش را برای او تکفل نموده و او را در برابر انتخاب‌ها و کارها و رفتارهایش مسئول دانسته و مسئولیت هر کاری را که به او و دیگری زیان برساند بر عهدهٔ خودش قرار داده است.

و مرد و زن را از نظر مسئولیت و جزا و پاداش برابر دانسته است.

اسلام، زن را گرامی داشته و زنان را همطرز با مردان دانسته و مرد را ملزم کرده که اگر توانایی دارد هزینهٔ زندگی زن را بپردازد، بنابراین نفقه (خرجی) دختر بر عهدهٔ پدر است و نفقهٔ مادر بر عهدهٔ پسرش است، مادامی‌که بالغ و توانمند باشد و نفقهٔ زن بر عهدهٔ همسر اوست.

و مرگ به معنای فنای ابدی نیست، بلکه انتقال از خانهٔ تلاش به خانهٔ پاداش است. مرگ هم بدن و هم روح را در بر می‌گیرد و مرگ روح به معنای جدا شدنش از بدن است، سپس بعد از رستاخیز در روز قیامت به بدن باز می‌گردد، و روح پس از مرگ به بدنی دیگر منتقل نمی‌شود و در بدنی دیگر تناسخ نمی‌پذیرد.

اسلام به ایمان آوردن به اصول بزرگ ایمان فرا می‌خواند و این اصول عبارتند از: ایمان به الله و ملائکهٔ او و ایمان به کتاب‌های الهی مانند تورات و انجیل و زبور- پیش از تحریف آنها- و قرآن و ایمان به همهٔ پیامبران و

رسولان علیهم السلام و ایمان به آخرین پیامبران یعنی محمد رسول الله، خاتم انبیا و مرسلین و ایمان به آخرتو این‌که بدانیم اگر زندگی دنیا پایان کار بود، زندگی و وجود، بیهودگی محض بود، و همچنین ایمان به قضا و قدر.

پیامبران دربارهٔ آن‌چه از سوی الله ابلاغ می‌کنند معصومند، و از هر آن‌چه مخالف عقل یا مخالف اخلاق سلیم است معصومند و مکلف به ابلاغ اوامر الله برای بندگانش می‌باشند. پیامبران هیچ یک از ویژگی‌های ربوبیت (آفرینش و روزی دهی و تدبیر جهان) و الوهیت (شایستگی عبادت) را ندارند بلکه انسانهایی همانند دیگر انسانهایند که خداوند پیام خود را به آنان وحی می‌کند.

اسلام مردم را به پرستش الله یگانه، با انجام عباداتهای اصلی فرا می‌خواند، یعنی: نماز که شامل قیام و رکوع و سجود و یاد الله و ثنا و دعای اوست و انسان روزانه پنج مرتبهانجامش می‌دهد و در هنگام انجام آن و قرار گرفتن در صف نماز، میان غنی و فقیر و رئیس و زیردست تفاوتی نیست. و پرداخت زکات که مقدار کمی از مال است و بر اساس شروط و مقادیری که الله قرار داده، اعطا می‌شود و زکات در اموال ثروتمندان واجب است و صرف فقرا و دیگر مستحقان زکات می‌شود و تنها یک بار در سال ادا می‌شود. و روزه که به معنای خودداری از باطل کننده‌های روزه در روز رمضان (از طلوع فجر تا غروب خورشید) است و باعث تربیت اراده و صبر در نفس بشری می‌شود. و حج که به معنای قصد بیت الله در مکه مکرمه است که تنها یک بار در طول زندگی برای شخصی که توانایی اش را دارد واجب است و در انجام حج همهٔ خلق در روی آوردن به سوی خالق متعال برابرند و همهٔ تفاوت‌ها و گرایش‌ها از بین می‌رود.

از بزرگترین ویژگی‌های عبادت در اسلام این است که کیفیت و وقت و شروط آن را الله سبحانه و تعالی مشروع ساخته و پیامبر او صلی الله علیه وسلم آن را ابلاغ نموده و تا امروز هیچ بشری چیزی به آن نیفزوده و کم نکرده است و همهٔ پیامبران علیهم السلام به این عبادت‌های بزرگ فرا خوانده‌اند.

پیامبران اسلام، محمد بن عبدالله از نسل اسماعیل بن ابراهیم علیهم السلام است. ایشان در سال ۵۷۱ میلادی در مکه دیده به جهان گشود. ایشان در همین شهر به پیامبری مبعوث شده و سپس به مدینه مهاجرت کرد و در کارهای بت پرستانه با قوم خود همراه نشد، اما در کارهای با ارزش و گرامی با آنان همکاری می‌کرد و پیش

از بعثت نیز دارای اخلاقی والا بود و قومش او را «امین» می‌نامیدند. وقتی چهل ساله شد، خداوند ایشان را به پیامبری مبعوث کرد و با نشانه‌های (معجزات) بزرگ تأییدش نمود که بزرگترین این معجزات، قرآن کریم است. قرآن، بزرگترین معجزهٔ تمام پیامبران و تنها نشانهٔ باقی مانده از پیامبران تا امروز است. پس از آن که خداوند به واسطهٔ ایشان دین را کامل نمود و رسول الله صلی الله علیه وسلم دین را به بهترین شکل ابلاغ نمود، در سن شصت و سه سالگی از دنیا رفت و در مدینهٔ نبوی به خاک سپرده شد. محمد صلی الله علیه وسلم خاتم پیامبران و مرسلین است والله او را با هدایت و دین حق فرستاد تا مردم را از تاریکی‌های بت پرستی و کفر و جهل به نور توحید و ایمان خارج سازد و الله گواهی نموده که ایشان را فرستاده تا به فرمان او به سوی او دعوت دهد.

شریعت اسلام که پیامبرمان محمد صلی الله علیه وسلم آن را آورده، خاتمهٔ پیامهای الهی و شریعت‌های ربانی و شریعتی کامل است و در بر دارنده صلاح دین و دنیا است و در درجه نخست حفظ دین و جان و مال و عقل و نسل مردم را در نظر دارد. آسْلام، ناسخ همهٔ شریعت‌های پیشین است چنانکه شرایع پیشین همدیگر را نسخ می‌کردند.

لله سبحانه و تعالی دینی غیر از اسلام را نمی‌پذیرد، دینی که محمد صلی الله علیه وسلم آورده و هر کس جز اسلام دینی دیگر برگزیند از او پذیرفته نخواهد شد.

قرآن کریم، کتابی است که خداوند به پیامبرش محمد صلی الله علیه وسلم وحی کرده و کلام پروردگار جهانیان است. کتابی که الله به واسطهٔ آن انسان‌ها و جنیان را به مبارزه طلبیده تا همانند آن یا سوره‌ای مانند یکی از سوره‌هایش بیاورند و این مبارزه طلبی تاکنون ادامه دارد. قرآن کریم به پرسش‌های مهمی پاسخ می‌دهد که میلیون‌ها انسان را به حیرت وا داشته است. قرآن عظیم تاکنون به همان شکلی که نازل شده به زبان عربی باقی است و حرفی از آن کم نشده و چاپ شده و منتشر است. این کتاب بزرگ یا ترجمهٔ معانی اش شایستهٔ مطالعه است، چنانکه سنت محمد صلی الله علیه وسلم و تعالیم و سیرت ایشان محفوظ است و توسط سلسله‌ای از راویان مورد اعتماد نقل شده و به زبان عربی چاپ شده و موجود است و به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده است. قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم تنها منابع احکام اسلام



اسلام

چکیده ای مختصر درباره اسلام، آنگونه که در قرآن کریم و سنت نبوی آمده است.



زیرا رابطه میان انسان و خداوند در اسلام رابطه ای مستقیم است بنابراین نیازی به این نداری که کسی میان تو و الله واسطه شود. اسلام از این که انسان ها تبدیل به خدا شوند یا در خداوندی و عبادتِ الله شریک او شوند جلوگیری می کند.

در پایان این رساله یادآور می شویم که مردم با وجود اختلاف در دوران ها و قومیت ها و سرزمین هایشان، و بلکه تفاوت جامعه انسانی در افکار و اهدافشان و محیط و کارهایشان، نیازی ضروری به هدایتگری دارند که آنان را راهنمایی کند و به نظامی نیازمندند که آنان را در بر گیرد و حاکمی که از آنان حمایت کند. پیامبران بزرگوار - علیهم الصلاة والسلام - این مسائل را با وحی از سوی الله - سبحانه - بر عهده می گیرند و مردم را به راه خیر و هدایت رهنمون می شوند و بر شریعت الهی متحد می سازند و بر اساس حق میان آنان داوری می کنند، در نتیجه امور آنان بر حسب پذیرش دعوت این پیامبران و نزدیکی دوران آنان به دوران پیامبران، سامان می یابد. خداوند رسالت را با پیامبری محمد صلی الله علیه وسلم به پایان رسانده و برای این رسالت بقا را مقرر ساخته و آن را هدایت و رحمت و نور و راهی قرار داده که به او منتهی می شود.

برای همین شما را به این دعوت می کنم که صادقانه و به دور از تقلید و تأثیر عادات و سنت ها برای الله به پا خیزید و بدانی که پس از مرگ به سوی پروردگارت خواهی رفت و توصیه می کنم که در وجود خودت و در جهان هستی اندیشه کنی و اسلام بیاوری تا در دنیا و آخرت سعادت مند شوی. هرگاه قصد مسلمان شدن کردی بدان که کاری لازم نیست جز آنکه شهادت دهی معبودی به حق جز الله نیست و محمد فرستاده اوست [و بگویی: اشهد أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمدا رسول الله] و از هر آنچه جز الله عبادت می شود اعلام بیزاری کنی و ایمان بیاوری که الله مردگان را از قبرهایشان برانگیخته خواهد ساخت و باور داشته باشی که حساب و پاداش قیامت حق است. با بیان این شهادت مسلمان خواهی شد و پس از آن لازم است عبادت الله را با آنچه خود مشروع ساخته از جمله نماز و زکات و روزه و حج - در صورت توانایی - به جای آوری.

اسرار یا احکامی نیست که مخصوص یک طبقه خاص باشد و همه احکام و قوانین آن موافق عقل صحیح و بر مبنای عدالت و حکمت است.

وقتی پیروان ادیان باطل نتوانستند تناقضات موجود در ادیان خویش را درک کنند و از فهم امور خلاف عقل موجود در تعالیم آن ادیان ناتوان ماندند، بزرگانیشان توهم فراتر بودن دین از عقل را در بین آنان جا انداختند و بیان داشتند که عقل توان درک دین را ندارد. در حالی که اسلام، دین را بسان نوری می داند که راه را برای عقل روشن می کند؛ اصحاب ادیان باطل از انسانها می خواهند که عقل خود را کنار گذاشته و پیرو آنان شوند، در حالی که اسلام از انسان می خواهد عقل خود را بیدار کند و به کار اندازد تا حقیقت امور را چنان که هست بشناسد.

اسلام، علم صحیح را گرمی می دارد و به پژوهش علمی مجرد از هرگونه هوای نفس تشویق می کند و به نظر و اندیشه در درون خود و جهان پیرامون فرا می کند و نتایج علمی صحیح با اسلام تعارضی ندارد.

الله عمل را نمی پذیرد و در آخرت برای آن پاداشی در نظر نمی گیرد مگر از سوی کسی که به الله ایمان آورد و از او اطاعت کند و همه پیامبرانش - علیهم الصلاة والسلام - را راستگو بشمارد. الله هیچ عبادتی را نمی پذیرد مگر آن عبادتی که خود مشروع قرار داده است. با این حال چگونه انسان می تواند به الله کفر بورزد سپس از او انتظار پاداش داشته باشد؟ الله ایمان هیچ یک از مردم را نمی پذیرد مگر آنکه به همه پیامبران ایمان بیاورند و به رسالت محمد صلی الله علیه وسلم باورمند شوند.

هدف همه پیام های الهی این است که انسانها به دین حق چنگ زنند و اینگونه مقام و جایگاهشان بالا رود و بنده مخلص پروردگار جهانیان شوند و او را از بندگی دیگر انسان ها یا بندگی ماده یا بندگی خرافه برهاند. اسلام - چنانکه می بینی - به اشخاص قدسیت نمی دهد و آنان را بالاتر از جایگاهشان قرار نمی دهد و از آنان خدا و خدایگان نمی سازد.

الله توبه را در اسلام مشروع ساخته است و توبه یعنی: بازگشت انسان به سوی پروردگار و ترک گناه. اسلام آوردن باعث پاک شدن همه گناهان پیشین می شود و توبه باعث پاک شدن گناهان پیشین می شود، بنابراین نیازی به اعتراف به خطا در برابر انسانی دیگر نیست.

و تشریحات آن است و اسلام نه از رفتار منتسبان به اسلام، بلکه از وحی الهی یعنی قرآن عظیم و سنت نبوی برگرفته می شود.

سلام به نیکی کردن به پدر و مادر امر می کند حتی اگر مسلمان نباشند و درباره فرزندان توصیه می کند.

سلام به رعایت عدالت در گفتار و کردار، حتی در برابر دشمنان - امر می کند.

سلام به نیکی در حق همه مردم امر می کند و به سوی اخلاق والا و اعمال نیک دعوت می دهد.

اسلام به اخلاق پسندیده مانند راستی و امانتداری و عفاف و حیا و شجاعت و بخشش و کرم و یاری نیازمند و ستمدیده و غذا دادن به گرسنگان و نیکی به همسایه و صلۀ رحیم و مهربانی با حیوانات فرا می خواند.

سلام هر غذا و نوشیدنی پاکی را حلال قرار داده و امر به پاکسازی قلب و بدن و خانه نموده و از همین روی ازدواج را حلال قرار داده است، چنانکه به پیامبرانش نیز چنین امر کرده زیرا آنان به سوی هر چیز پاکی فرمان می دهند.

سلام اصول محرّمات، مانند شرک به الله و کفر و بت پرستی و نسبت دادن سخنی به الله بدون علم و کشتن فرزندان و کشتن جانی که حرمت دارد و تباهی در زمین و جادوگری و فحشای آشکار و پنهان و زنا و عمل قوم لوط و ربا و خوردن مردار و خوردن آنچه برای بت ها قربانی شده و گوشت خوک و دیگر نجاست ها و ناپاکی ها و خوردن مال یتیم و کم فروشی و قطع پیوند خویشاوندی را حرام قرار داده است. همه پیامبران بر تحریم این امور اتفاق نظر دارند.

سلام از اخلاق نکوهیده مانند دروغ و تقلب و پیمان شکنی و خیانت و فریب و حسادت و نیرنگ زشت و دزدی و تجاوزگری و ستمگری و از هرگونه اخلاق خبیث نهی کرده است.

سلام از هرگونه تعامل مالی که در بر دارنده ربا یا زیان یا ابهام یا ظلم یا تقلب است یا به فاجعه و زیان عام برای جوامع و ملت ها و افراد می انجامد، نهی کرده است.

احکام اسلام موجب صیانت عقل است و اموری را که منجر به تباهی عقل می شود مانند نوشیدن الکل، حرام کرده است و برای عقل منزلتی والا قرار داده و آن را از زنجیر خرافه و بت پرستی رهانیده است. در اسلام هیچ